پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

شمارهٔ ۳۸، بهار و تابستان ۱۴۰۵
صص ۲۴۵-۲۶۹ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 38, Spring & Summer 2026

الگوی مفهوم‌سازی زمان در قرآن: تحلیل شناختی و بازتاب در ترجمه‌های فارسی

آسیه ذوعلم[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۰۷ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵)

چکیده

زمان مفهومی انتزاعی و در عین حال اساسی است که در زبان‌های گوناگون غالباً از طریق مفاهیم عینی‌تری چون مکان و با بهره‌گیری از استعاره‌های جهتی بازنمایی می‌شود. تفاوت‌های فرهنگی و زبانی در نگرش به زمان، به شکل‌گیری الگوهای متفاوتی از مفهوم‌سازی آن می‌انجامد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی، ضمن تبیین چگونگی مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی قرآنی، به بررسی و ارزیابی بازتاب این الگوی مفهومی در تعدادی از ترجمه‌های فارسی قرآن می‌پردازد. در زبان‌های فارسی و انگلیسی و حتی عربی معاصر، با استعاره‌های جهتی مشابه، زمان بر اساس توجه به عنصر «حرکت رو به جلو» مفهوم‌سازی می‌شود. این در حالی است که در واژگان تثبیت شدهٔ زبان عربی با دو مفهوم مکانی و زمانی ریشه و نیز در کاربردهای واژگانی از این دست در قرآن، گونهٔ دیگری از مفهوم‌سازی بروز دارد که بر اساس عنصر «شهودیت»، گذشته را در جهت جلو و آینده را در پشت سر تصویر می‌کند. به نظر می‌رسد تحول مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی از عصر نزول تا روزگار کنونی، در اثر اختلاط فرهنگی و گرته‌برداری‌های زبانی صورت گرفته است. بررسی شش ترجمهٔ فارسی قرآن نشان می‌دهد هیچ یک هماهنگی معناداری در تبیین واژگان زمانیِ برگرفته از حوزه مکان ندارند؛ که این امر بیانگر عدم توجه به تفاوت الگوی شناختی میان زبان‌هاست.

کلید واژه‌ها: مفهوم‌سازی زمان، استعاره‌های جهتی، قرآن، رویکرد شناختی، ترجمه.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران؛ a.zouelm@alzahra.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

۱. بیان مسئله

کاربست مفاهیم و نظریه‌های زبان‌شناسی جدید در فهم و تفسیر قرآن کریم، از جمله موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر توجه قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرده است. در این میان، تحلیل زبان قرآن بر پایه دستاوردهای زبان‌شناسی شناختی ـ که زبان را بازتابی از ساختارهای ذهنی و تجربیات زیسته انسان تلقی می‌کند ـ به عنوان یکی از رویکردهای پرکاربرد در مطالعات قرآنی مطرح است. این نگرش با اصل قرآنیِ سخن گفتن پیامبران به زبان قوم خویش[۱] هم‌خوانی دارد؛ که بر آشنابودن و فهم‌پذیری زبان وحی برای مخاطبان اولیه تأکید می‌ورزد و زمینه را برای تطبیق یافته‌های زبان‌شناسی با بیانات قرآن کریم فراهم می‌سازد. بر این اساس، بررسی سازوکارهای زبانی و مفهومی ذهن انسان و نحوه تجلی آن‌ها در زبان، می‌تواند چشم‌اندازهای تازه‌ای در تحلیل معانی و مفاهیم قرآنی پیش روی پژوهشگران بگشاید.

زبان‌شناسی شناختی ریشه در علوم شناختی دارد و بر این فرض استوار است که ذهن انسان بازنمایی‌کننده جهان بیرونی و زبان بازتاب‌دهنده این ذهنیّت است. در چارچوب معناشناسی شناختی، نظریه استعاره‌های مفهومی به عنوان یکی از دستاوردهای محوری مطرح می‌شود؛ که نشان می‌دهد درک مفاهیم تازه و پیچیده در ذهن انسان از رهگذر مفاهیم آشنا و ملموس صورت می‌گیرد. این سازوکار در سطح زبان، از طریق به‌کارگیری واژگان و ساختارهای مربوط به حوزه‌های تجربی و عینی برای فهم مفاهیم انتزاعی نمود می‌یابد. تفاوت در نحوه به‌کارگیری استعاره‌های مفهومی، که ریشه در تفاوت‌های فرهنگی و تجربیات زیسته کاربران زبان‌ها دارد، از عوامل مهم تمایز میان زبان‌ها به شمار می‌رود. واژگان هر زبان بازتاب‌دهنده شیوه خاص آن زبان در سازمان‌دهی مفاهیم ذهنی است؛ امری که در تفاوت میان تنوع واژگانی مفاهیم و تقسیم‌بندی حوزه‌های معنایی در زبان‌های

---

۱. «وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ إِلاّ بِلِسانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم، ۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

مختلف قابل مشاهده است.

یکی از رایج‌ترین الگوهای استعاری در بازنمایی مفاهیم انتزاعی، بهره‌گیری از مفاهیم مکانی برای درک و مفهوم‌سازی زمان است. هرچند این شیوه استعاری به‌صورت کلی در همه زبان‌ها مشاهده می‌شود، چگونگی تحقق و کاربرد آن در فرهنگ‌های گوناگون می‌تواند تفاوت‌های قابل توجهی داشته باشد. از سوی دیگر یکی از مسائل مورد توجه پژوهشگران، بر اساس تفاوت استعاره‌های مفهومی در فرهنگ‌های مختلف، بحث ترجمه متون است. ارزیابی ترجمه‌ها از این منظر، بر مبنای مقایسه تأثیر شناختی متن مبدأ در مخاطب نسبت به متن مقصد شکل می‌گیرد. این پژوهش با هدف تبیین چگونگی مفهوم‌سازی استعاری زمان در زبان عربی و بررسی تأثیر آن بر ترجمه آیات قرآن در پی پاسخگویی به دو سؤال محوری است: ۱- الگوی مفهوم‌سازی استعاری زمان بر پایه مکان در زبان عربی قرآنی چگونه است و چه تمایزی با زبان‌های فارسی و انگلیسی دارد؟ ۲- این الگوی مفهوم‌سازی تا چه اندازه در ترجمه‌های فارسی قرآن بازنمایی شده است؟ در این راستا، ضمن تبیین مفاهیم نظری، نمونه‌هایی از واژگان حوزه مفهومی زمان ـ مفاهیم مرتبط با گذشته و آینده ـ و ارتباط آن‌ها با واژگان حوزه زمان، با تکیه بر شواهد قرآنی بررسی می‌شود. در ادامه، روش برخی از مترجمان برجسته قرآن در بازنمایی این‌گونه کاربردها ارزیابی می‌شود.

۲. مقدمه

«زمان» از جمله مفاهیم بنیادین در تجربه انسانی است که از دیرباز در حوزه‌های مختلف علمی، از فلسفه و روان‌شناسی تا فیزیک کلاسیک و نوین، مورد بررسی قرار گرفته است. این مفهوم در معناشناسی شناختی نیز جایگاهی برجسته دارد؛ به‌گونه‌ای که از محوری‌ترین نمونه‌های استعاره‌های مفهومی به حساب می‌آید و با توجه به تفاوت فرهنگ‌های مختلف در نحوه مفهوم‌سازی زمان، بررسی این مقوله امکان درک دقیق‌تر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

مفاهیم مرتبط با آن را در متون زبان‌های مختلف فراهم می‌سازد. بر همین اساس دستاوردهای حاصل از بررسی مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی به‌ویژه در قرآن کریم، می‌تواند منجر به دریافت نکات مفهومی دقیق‌تری از متن شود. در پی چنین نگرشی، ترجمه‌پذیری با رویکرد شناختی، با شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌ها در سامانه‌های مفهومی زبان‌های مبدأ و مقصد قابل بررسی است؛ که از این منظر، ترجمه استعاره‌های مفهومی باید اثری مشابه زبان مبدأ در گویشوران زبان مقصد بر جای گذارد. ازاین‌رو، شناخت دقیق تفاوت‌ها در سازوکار بهره‌گیری از مفاهیم ملموس برای بازنمایی مفاهیم انتزاعی در دو زبان مبدأ و مقصد، امکان ارزیابی عملکرد مترجمان را فراهم می‌آورد. پس از بررسی مفاهیم زمانی برگرفته از حوزه مفهومی مکان در زبان عربی، شناخت ترجمه‌های فارسی قرآن به منظور ارزیابی درستی انتقال این مفاهیم از منظر شناختی، حائز اهمیت است.

۲-۱. پیشینه و نوآوری

پیشینه پژوهش حاضر را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی کرد: مطالعات مربوط به مقایسه مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان در زبان‌های مختلف، پژوهش‌های ناظر به استعاره‌های مفهومی زمان در زبان عربی و قرآن کریم، و تحقیقات مرتبط با ترجمه استعاره‌های مفهومی قرآن.

در محور نخست، پژوهش‌هایی به بررسی مفهوم‌سازی زمان بر پایه مکان در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف پرداخته‌اند. از جمله، یو در کتاب *The Contemporary Theory of Metaphor: A Perspective from Chinese* (1998) استعاره‌های مفهومی، از جمله استعاره‌های زمان را در زبان چینی تحلیل کرده است. همچنین مقاله «With the Future Behind Them» (Núñez & Sweetser, 2006) تفاوت الگوی مفهوم‌سازی زمان در زبان آیمارا و انگلیسی را نشان می‌دهد. در مقاله «A Comparative Study of the Conceptual Metaphors of Time in Persian and English» (Golfam et al., 2019) نیز این الگوها در زبان‌های فارسی و انگلیسی مقایسه شده‌اند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

در محور دوم، برخی مطالعات به بررسی استعاره‌های مفهومی زمان در زبان عربی و در قرآن کریم اختصاص یافته‌اند. مقاله « When You Think About It, Your Past Is In Front of You: How Culture Shapes Spatial Conceptions of Time» (de la Fuente et al, 2014) با پژوهشی میدانی به بررسی مفهوم‌سازی زمان در فرهنگ عربی می‌پردازد و بیان می‌کند در ذهن گویشوران عربی (مراکشی) –بر خلاف زبان آن‌ها– بر اساس برجسته بودن «تمرکز توجه» به گذشته، گذشته با جلو و آینده با پشت نشان داده می‌شود. مقاله «مطالعه مدل‌های شناختی زمان در متن قرآن، بر اساس نظریه استعاره‌های مفهومی» (قائمی و ذوالفقاری، ۱۳۹۸) بهره‌گیری قرآن را از الگوهای استعاری متنوع، برای تبیین مفهوم انتزاعی زمان نشان می‌دهد و مقاله «بررسی شناختی استعاره‌های حوزه مفهومی اسماء زمان در قرآن کریم» (نظری و موسوی بفروئی، ۱۳۹۹) حوزه‌های استعاری متعددی از جمله مکان، جسم، ثروت، حرکت و موجود زنده را برای مفهوم زمان در قرآن شناسایی می‌کند. در مقاله « How Much of the FUTURE Is BEHIND in Arabic? A View on the Arabic Culture and Embodiment» (Almirabi. M. M., 2021) با بررسی شواهد زبانی آنلاین و نیز سنجش گویش بومی عربی حجازی– سعودی، در فرهنگ معاصر عربی، استعاره «آینده جلو است» برجسته شده است.

در محور سوم، پژوهش‌هایی به ترجمه استعاره‌های مفهومی قرآن اختصاص یافته‌اند. احمد (۲۰۲۲) در مقاله «The Translation of Orientational Metaphors in Qur’an: A Cognitive-Based Study»، به بررسی ترجمه استعاره‌های جهتی در چند ترجمه قرآن پرداخته است، اما نمونه‌های چالش‌برانگیز این نوع استعاره‌ها را پوشش نداده است. السویدی و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله «Translating Conceptual Qur’anic Metaphor: A Cogno-Translational Approach» نشان می‌دهند که ترجمه تحت‌اللفظی استعاره‌های مفهومی قرآن اغلب قادر به انتقال مفهوم شناختی و فرهنگی نیست و در برخی موارد از نظر شناختی و فرهنگی نامناسب است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

این پیشینه نشان می‌دهد مطالعه‌ای جامع و مستقل درباره مفهوم‌سازی استعاری زمان بر اساس مکان در زبان عربی قرآنی و پیامدهای ترجمه‌ای آن وجود ندارد. این خلأ پژوهشی ضرورت انجام تحقیقی نظام‌مند برای تحلیل استعاره‌های زمانی– مکانی در قرآن و بازتاب آن‌ها در ترجمه‌ها را آشکار می‌سازد.

۲-۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر چگونگی مفهوم‌سازی زمان در زبان قرآن، با استفاده از استعاره‌های مفهومی در رویکرد شناختی بررسی می‌شود. به منظور یافتن الگوی استفاده از واژگان حوزه مفهومی مکان برای بازنمایی مفهوم انتزاعی‌تر زمان در قرآن، یافتن واژگان یا ریشه‌هایی در زبان عربی که در هر دو حوزه مکان و زمان کاربرد دارند، مد نظر قرار می‌گیرد. علاوه بر این کاربردهای قرآنی استعاره حوزه مفهومی مکان برای حوزه مفهومی زمان استخراج می شود. سپس این نمونه‌ها پردازش و طبقه‌بندی می‌شود تا بر مبنای الگوهای رایج شناخته‌شده در زبان‌های مختلف برای این استعاره مفهومی، الگوی استعاری زمان بر مبنای مکان در قرآن به دست آید. در مرحله بعد چگونگی بازنمود این الگو در ترجمه‌های مشهور قرآن به زبان فارسی شامل انصاریان، صفوی (بر اساس تفسیر المیزان)، رضایی، فولادوند، مکارم و مشکینی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا تأثیر شناختی این استعاره مفهومی در ترجمه‌ها نسبت به متن اصلی قرآن ارزیابی شود؛ که منظری جدید برای ارزیابی ترجمه‌های قرآن به حساب می‌آید.

۲-۳. مفاهیم نظری پژوهش

زبان‌شناسی شناختی رویکردی در علم زبان‌شناسی است که به تحلیل زبان از منظر علم شناخت می‌پردازد. در این نگرش، از سویی ذهن، ابزاری برای پردازش و بازنمود جهان خارج به حساب می‌آید، و از سوی دیگر زبان، به مثابه ابزاری برای سامان‌دهی،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

پردازش و انتقال اطلاعات مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بـه عبـارتی، ذهـن انسـان از طریـق تجربه‌های محیطی (که فرهنگ را شامل می‌شود)، جهان را در می‌یابد و سپس با استفاده از زبان، اطلاعات ذهنی را سامان می‌دهد، می‌پردازد و منتقل می‌کند (افراشی، ۱۹، ۲۰ و ۲۶).

۲-۳-۱. نظریهٔ استعاره‌های مفهومی و مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان

نظریه استعاره مفهومی، یکی از دستاوردهای بنیادین معنی‌شناسی شناختی اسـت. طبـق این نظریه، شناخت انسان از بسیاری مفاهیم، بر اساس شناخت او از مفـاهیمی ملمـوس‌تـر شکل می‌گیرد و سپس این نگرش در زبان بروز می‌یابد. به عبارتی استعاره تنهـا پدیـده‌ای زبانی نیست بلکه از چگونگی تفکر و شناخت انسان سرچشـمه گرفتـه اسـت (Lakoff & Johnson, 7). علاوه بر این که یک مفهوم می‌تواند به صورت اسـتعاری بـر حسـب مفهـوم دیگری ساختار یابد، گاه یک مجموعه کلی از مفاهیم بر اسـاس مجموعـه‌ای دیگـر، و بـا نگرشی فضایی بیان می‌شود. از آنجا که در بیشتر موارد این نوع اسـتعاره بـا جهـت‌گیـری فضایی (بالا پایین، درون بیـرون، جلـو عقـب و ...) همـراه اسـت، آن را اسـتعاره جهتـی[1] نامیده‌اند. این جهت‌گیری‌های استعاری دلبخواه یا تصادفی نیستند و پایه‌ای در تجربـه‌هـای بدنی یا فرهنگی ما دارند. استعاره‌های جهتی، که مبتنی بر جهات طبیعی صورت مـی‌گیـرد، می‌تواند از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت باشد (Ibid: 15).

از مهم‌ترین مفاهیم انتزاعـی کـه در زبـان‌شناسـی شـناختی، بازنمـایی آن بـر اسـاس استعاره‌های مفهومی بررسی شده، مفهوم «زمان» است. در همه زبان‌ها مکـان و در پـی آن حرکت، به عنوان اموری ملموس و عینی، راهی مهم بـرای شـناخت مفـاهیم حـوزه زمـان شمرده می‌شود. اگرچه این امر به طور کلی در همه زبان‌ها بـه چشـم مـی‌خـورد، بررسـی زبان‌های مختلف تفاوت‌هایی را در نوع این مفهوم‌سازی و یا به بیان دیگر نحوه به‌کارگیری مفاهیم مکانی برای بازنمایی مفاهیم زمانی نشان می‌دهد (Boroditsky, 62- 65).

1. orientational metaphor

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

در بخشی از یونان باستان زمان بر اساس حرکتی مداری مفهوم‌سازی می‌شده است. برخی منشأ این نگرش را در تأثیر علم نجوم و توجه فیلسوفان یونانی به نظم مداری جهان دانسته‌اند (دستلان و همکاران، ۳۸، به نقل از Turetzky, 32-35). در مقابل در بیشتر زبان‌های امروزی، زمان بر اساس حرکتِ محوری (خطی) مفهوم‌سازی می‌شود. در مفهوم‌سازی زمان با حرکتِ خطی نیز تفاوت‌هایی میان زبان‌های مختلف وجود دارد. در زبان چینی ماندارین[1] زمان بر اساس حرکت روی یک محور عمودی مفهوم‌سازی می‌شود که از بالا به پایین در حرکت است. یعنی زمان زودتر و دیرتر به ترتیب با بالاتر و پایین‌تر بیان می‌شوند (Yu, 83-139). چه بسا منشأ شکل‌گیری این استعاره تجربه سقوط طبیعی اجسام از بالا به پایین است. اما در بسیاری زبان‌ها، زمان در حرکت بر خط افقی مفهوم‌سازی می‌شود. در برخی زبان‌ها از جمله فارسی (و انگلیسی) این مفهوم‌سازی عمدتاً به نحوی است که شخص تجربه‌گر رو به آینده و پشت به گذشته در حال حرکت است. نمونه‌هایی از جملات زبان فارسی این نگرش را نشان می‌دهد:[2]

ـ تابستان را پشت سر گذاشتیم.

ـ آینده‌ای روشن پیش روی ماست.

چنین تصوری از زمان، بر مبنای حرکت رو به جلو در گذر زمان شکل گرفته است؛ که در آن ما به سوی آینده در حرکت هستیم (Lakoff & Johnson, 42). در مقابل این مفهوم‌سازی در زبان‌های فارسی و انگلیسی، زبان آیمارا[3] که در نواحی کوهستانی آند در آمریکای جنوبی و کشورهایی چون پرو، شیلی و بولیوی رواج دارد، تصویری وارونه ارائه می‌دهد: در آن، گذشته در برابر و آینده در پشت سر قرار می‌گیرد. با نگاهی دقیق به این زبان در چارچوب فرهنگی‌اش، روشن می‌شود که «شهودیت»[4] جایگاهی بنیادین در آن

---

1. Mandarin

۲. در زبان انگلیسی نیز به طور مشابه مفهوم‌سازی گذشته در پست شر و آینده در مقابل صورت می‌گیرد. نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از:

• Future lies ahead of us
• Leave the history behind.

3. Aymara
4. evidentiality

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

دارد (Nunez & Sweetser, 402). از این‌رو، اساس این جهت‌گیری زمانی را می‌توان در آگاهی از گذشته و نادیدگی و ناشناختگی آینده جست‌وجو کرد؛ چیزی که با قرار گرفتن آن‌ها به‌ترتیب در پیش رو و پشت سر هماهنگ است. این تفاوت، در زبان بدن نیز دیده می‌شود: در زبان‌هایی چون انگلیسی و فارسی، حرکت دست به سوی جلو بیانگر آینده است، در حالی که در آیمارا همین حرکت گذشته را نشان می‌دهد (Boroditsky, 2011: 64).

شایان ذکر است که در زبان انگلیسی، گاه عباراتی یافت می‌شود که مفهوم‌سازی زمان در آن‌ها مقابل با جریان اصلی، یعنی گذشته در جلو و آینده در پشت صورت گرفته است.[1] زبان شناسان با تحلیل این رویداد زبانی باز هم بر مبنای «حرکت»، آن را نوع دیگری نگرش به زمان، به عنوان چیزی که به سوی گویشور در حرکت است دانسته‌اند (Lakoff & Johnson, 41- 43). در زبان فارسی هم گاه مفهوم‌سازی بر پایه چنین تصوری مشاهده می‌شود. برای نمونه واژه «پیش» به معنای جلو، که در حوزه مفاهیم زمانی، با تصور حرکت مشاهده‌گر در زمان، به زمان بَعد اشاره دارد، در برخی کاربردها، به زمان قبل دلالت می‌کند. در توضیح این مفهوم‌سازی نیز مشابه زبان انگلیسی، به تصور دیگری از زمان که لیکاف می‌گوید اشاره شده است: «زمان به مثابه چیزی که در حال حرکت به سوی مشاهده‌گر است». برای نمونه، عبارت «پیش از صبح» به معنای قبل از صبح، صبح را در حال حرکت به سوی مشاهده‌گر تصور می‌کند که زمان‌های قبلش در جهت جلوی آن است (گلفام و دیگران، ص ۶۶ و ۶۷). اما قابل توجه است که همچنان این مفهوم‌سازی بر مبنای «حرکت» انجام گرفته و بر مبنای «شهودیت» تمرکز ندارد.

۲-۳-۲. استعاره‌های مفهومی در ترجمه

در مطالعات سنتی ترجمه، بحث ترجمه استعاره‌ها غالباً به‌صورت جزئی نگریسته می‌شد و کمتر به سازوکارهای شناختیِ نهفته در پس آن توجه می‌گردید. با شکل‌گیری

۱. برای نمونه عبارات following weeks و preceding weeks به ترتیب به معنای هفته‌های آینده و هفته‌های گذشته به کار می روند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

رویکردهای شناختی در زبان‌شناسی، این دیدگاه که استعاره‌های مفهومی پدیده‌ای است که زبان و اندیشه انسان را سازمان می‌دهد، نقش چشمگیری در مطالعات نوین ترجمه یافته است. زیرا مسئله تفاوت استعاره‌های مفهومی در فرهنگ‌های مختلف، ترجمه‌پذیری را از سطح معادل‌یابی واژگانی فراتر برده و آن را به حوزه نظام‌های مفهومی و تجربه‌های زیسته گویشوران پیوند می‌زند. بر پایه دیدگاه لیکاف و جانسون، گزینش استعاره‌های مفهومی امری دلبخواه و تصادفی نیست، بلکه به تجربه‌های فیزیکی و فرهنگی انسان بازمی‌گردد (Lakoff & Johnson, p. 645).

در همین چارچوب، بسیاری از استعاره‌های مفهومی به سبب پیوند با تجربه‌های بنیادین انسانی، در زبان‌های گوناگون با تفاوت اندکی مشاهده می‌شوند و در واقع ریشه در وجوه مشترک تجربه بشری دارند. برای نمونه، استعاره مفهومی «خوب بالا است و بد پایین» در فرهنگ‌های متعدد حضور دارد و بازتاب آن را می‌توان در متون مقدس و از جمله در قرآن کریم مشاهده کرد؛ چنان‌که در آیاتی چون «وَ جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» (التوبه، ۴۰) و «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا» (التوبه، ۴۹) نمود می‌یابد. بررسی ترجمه‌های انگلیسی قرآن نشان می‌دهد که در چنین نمونه‌هایی، ترجمه نسبتاً تحت‌اللفظی نیز می‌تواند انتقال معنا را به‌گونه‌ای قابل قبول محقق سازد (Ahmad, p. 8, 10).

اما ترجمه‌پذیری استعاره‌های مفهومی، به میزان همسانی یا ناهمسانی میان سامانه‌های مفهومی در زبان مبدأ و مقصد بستگی دارد. در مواردی که این سامانه‌ها بنا به زمینه‌های فرهنگی یا تجربی تفاوت می‌یابند، ترجمه عبارات مرتبط ناگزیر مستلزم دقت بیشتری است تا انتقال معنا صرفاً در سطح لفظ باقی نماند. به سبب نقش تعیین کننده تفاوت‌های فرهنگی در بازتاب و بازنمایی استعاره‌های مفهومی، تنها با در نظر گرفتن پیوند درونی این استعاره‌ها با ابعاد شناختی، زبانی و تجربی، می‌توان متن را به گونه‌ای ترجمه کرد که از منظر شناختی در ذهن گویشوران زبان مقصد، اثری نزدیک به زبان مبدأ بر جای گذارد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

۳. مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی

تحلیل واژگان عربی نشان می‌دهد که در این زبان نیز، همانند بسیاری از زبان‌ها، زمان از طریق مفاهیم مکانی فهمیده و بیان می‌شود. بنابراین برای نشان دادن مفاهیم گذشته و آینده، از استعاره جهتی استفاده می‌شود. اما نحوه به‌کارگیری این استعاره و مقایسه آن با زبان‌های فارسی و انگلیسی قابل توجه است.

در زبان عربی، ویژگی فراگیرِ ریشه‌محور بودن واژگان، سبب می‌شود برای تحلیل بسط معانی اولیه به معانی جدید، کل واژگان یک ریشه مورد توجه قرار گیرد.[۱] در موضوع شناخت نحوه مفهوم‌سازی زمان با استفاده از استعاره جهتی (مکان) لازم است ریشه‌هایی بررسی شوند که همزمان دارای واژگانی با معانی مکانی و واژگانی با معنای زمانی هستند.

۳-۱. نمونه‌هایی از مفهوم‌سازی زمان در عربی با استعاره‌های جهتی

نحوه ارتباط میان معانی زمانی و مکانی واژگان در زبان عربی، چگونگی مفهوم‌سازی زمان را با استفاده از استعاره‌های جهتی نشان می‌دهد. در این بخش، شواهدی از معانی مکانی و زمانی برخی ریشه‌ها در بافت کاربردی آن‌ها در قرآن بررسی می‌شود. همچنین معانی مکانی و زمانی برخی از این ریشه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد؛ که در حافظه کاربران زبان، بدون توجه به ارتباط میان آن‌ها و به شکل مفاهیمی مستقل ذخیره شده است تلاش شده نمونه‌هایی انتخاب شود که در مفهوم آن‌ها کمترین اختلاف وجود داشته باشد.

از پرکاربردترین ریشه‌های دارای مفاهیم مکانی و زمانی، ریشه **قبل** است که شامل واژه‌های قُبُل به معنای «جلو»، قِبَل به معنای «رو به»، و واژه قَبْل (مخالف بَعد) می‌شود (فراهیدی، ۱۶۶/۵). معنای مکانی این ریشه در آیاتی چون «إِنْ كانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ

---

۱. در همه زبان‌ها شکل‌گیری معانی جدید با سازوکار مجاز و استعاره، در بسیاری موارد با افزایش معانی یک واژه بدون تغییر در ظاهر واژه صورت می‌گیرد و اضافه شدن وندها به واژگان برای شکل‌گیری صیغه‌های مختلف محدودیت دارد. در زبان عربی، معانی متفاوت یک ریشه، به سبب تنوع گسترده در اوزان، از طریق قالب‌های وزنی ایجاد می‌شود. نشانه‌ای از آن، افزوده شدن باب‌های تازه در ریشه‌های پیشین در گذر زمان است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكاذِبِينَ» (یوسف، ۲۶) و نیز «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ» (البقره، ۱۷۷)، دلالت بر جهتِ روبه‌رو یا پیش‌رو دارد. در برابر آن، معنای زمانی واژه در آیات بسیاری از جمله آیه «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِها» (طه، ۱۳۰). اشاره به زمانی گذشته نسبت به یک موعد خاص است. بنابراین رابطه‌ای شناختی میان جهت «روبه‌رو» و مفهوم «گذشته» در ریشه «قبل» برقرار است.

کاربردهای ریشه سبق نیز، با معنای اصلی «جلو افتادن در حرکت» (ابن‌منظور، ۱۵۱/۱۰)، پیوندی روشن میان مکان و زمان برقرار می‌کند. در نوعی بهره‌گیری از معنای مکانی این ریشه، آیاتی همچون «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئاتِ أَنْ يَسْبِقُونا» (العنکبوت، ۴) و یا «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ» (المائده، ۴۸)، به صورت استعاری بر جلو افتادن در رقابت یا پیشی گرفتن در انجام کاری دلالت دارند. در معنای زمانی نیز، عبارت «كَذلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْباءِ ما قَدْ سَبَقَ» (طه، ۹۹) به گذشته سپری شده اشاره دارد. بنابراین در ریشه سبق، مفهوم زمانیِ «گذشته» با معنای مکانی «جلو بودن» بازنمایی شده است.

ریشه قدم با مفهوم جلو (فراهیدی، ۱۲۲/۵) نیز در ارتباط میان مفهوم‌سازی زمان با استعاره جهتی قابل توجه است. آیه «يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُود» (هود، ۹۸)، به پیشاپیش بودن فرعون نسبت به قومش در روز قیامت دلالت دارد. عبارات «ما قَدَّمَتْ أَيْديهِم» (البقره، ۹۵) به معنای آنچه (دستانشان) در گذشته انجام داده‌اند، «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ ما تَأَخَّر» (الفتح، ۲) به معنای گناهان گذشته، و «قالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلالِكَ الْقَدِيم» (یوسف، ۹۵) به معنای گذشته دور، به معنای مکانی این ریشه اشاره دارند. در ریشه «قدم» نیز مانند دو مورد پیشین، جهت «جلو» با معنای «گذشته» در زمان مرتبط شده است.

عبارت پرتکرار بَيْنَ يَدَيْن نیز در قرآن، نمونه‌ای دیگر از کاربرد استعاره جهتی در بازنمایی مفاهیم گذشته و آینده است. معنای لفظی این اصطلاح «میان دو دست» است؛ اما در زبان عربی به‌گونه‌ای مجازی برای اشاره به «جلو» به‌کار رفته است. برای نمونه در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

عبارت «ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمانِهِمْ وَ عَنْ شَمائِلِهِم» (الاعراف، ۱۷) به وضوح به جهت مکانی جلو دلالت دارد. همین تعبیر به‌شکلی استعاری در معنای زمانی «گذشته» کاربرد یافته است؛ که نمونه‌هایی از آن در «فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْواكُمْ صَدَقَة» (المجادله، ۱۲)، در امر به دادن صدقه قبل از نجوا با پیامبر (ص) و «مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ» (آل‌عمران، ۳)، در تصدیق قرآن نسبت به کتاب‌های آسمانی گذشته‌اش بازنمایی شده است.

واژگان ریشه **دبر** نیز با کاربرد اولیه مفهومی مکانی، در بازنمایی مفاهیم زمانی کاربرد یافته‌اند. واژه دُبُر به معنای پشت، عضوی پسینی از بدن است[1] که در آیه «فَكَيْفَ إِذا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبارَهُمْ» (محمد، ۲۷)، به معنای اولیه خود به کار رفته، که واژه «إدبار» به معنای پشت کردن در همین جهت معنایی، در قرآن کاربردهای متعدد دارد. در برخی دیگر از واژگان، در پیوند با زمان و به مفهوم آینده کاربرد یافته است. واژه «تدبیر» با مفهوم آینده نگری در زبان عربی، در قرآن هم در مواردی از جمله «ثُمَّ اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ» (یونس، ۳) مشاهده می‌شود. بر این اساس ریشه «دبر» از جنبه زمانی نگاهی آینده‌محور دارد.

در ریشهٔ **عقب** نیز به صورتی مشابه، از استعاره جهتی برای بازنمایی زمان استفاده شده است. واژه عَقِب به معنای پاشنه پا (فراهیدی، ۱۷۸/۱)، عضوی پسینی از بدن است که در قالب عبارت عَقِبَیهِ (به معنای دو پاشنه او) و اعقاب (به معنای پاشنه‌ها) در قرآن به کار رفته است (البقره، ۱۴۳ و آل‌عمران، ۱۵۹). واژه عاقبة به معنای سرانجام یا آینده دور، از روشن‌ترین نمونه‌های کاربرد زمانی این ریشه است: «انْظُروا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ» (الانعام، ۱۱). بنابراین ریشه عقب در مفهوم مکانی، جهت پشت، و در مفهوم زمانی، آینده را بازنمایی می‌کند.

---

۱. لغت‌شناسان معانی متعددی برای واژگان ریشه «دبر» بیان کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۶۸/۴) که هر یک به نوعی به مفهوم «پشت» بازمی‌گردد. اما بر پایه اصل بدنمندی (embodiment) در معنی‌شناسی شناختی، اولین معنای هر واژه، ارتباط نزدیکی با بدن انسان و مواجهه بدنی انسان دارد. بر این اساس از میان معانی متعدد این ریشه، اولین معنا، عضوی پسینی از بدن است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

ریشه **أخر** با مفهومی در تقابل با ریشه قدم (ابن منظور، ۱۲/۴) نیز در واژه «أُخری» به معنای پشت، در «إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لا تَلْوُونَ عَلی أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ یَدْعُوکُمْ فی أُخْراکُم» (آل‌عمران، ۱۵۳)، جهتی مکانی را نشان می‌دهد. همین ریشه در کاربردهای متعددی، مفهومی زمانی دارد که در مشهورترین کاربرد قرآنی، عبارات «الیوم الآخِر» و «آخِرة» به آینده یا آینده دور اشاره دارد. همچنین فعل اَخَّرَ در عباراتی چون «وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلی أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ» (هود، ۸) به معنای به آینده انداختن است. این ریشه نیز تناظر میان مفهوم پشت با مفهوم آینده را نشان می‌دهد.

در همین چارچوب مفهومی، ریشه **خلف** نیز در تقابل با ریشه قدم (ابن منظور، ۸۲/۹)، پیوند معنایی میان «پشت» و «آینده» را بازتاب می‌دهد. در عبارت «فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِی الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ» (الانفال، ۵۷)، واژه خَلْف به‌روشنی بر موقعیت مکانی در جهت پشت سر اشاره دارد. اما در نمونه‌هایی مانند «لِتَکُونَ لِمَنْ خَلْفَکَ آیَةً» (یونس، ۹۲) به حوزه زمانی گسترش می‌یابد و به معنای آیندگان به‌کار می‌رود. دیگر کاربرد مرتبط با زمان این ریشه، واژه «خلیفه» به معنای جانشین مرتبط با آینده زمانی است: «وَ اذْکُرُوا إِذْ جَعَلَکُمْ خُلَفاءَ مِنْ بَعْدِ عاد» (الاعراف، ۷۴). در این نمونه نیز مفهوم زمانی «آینده» با مفهوم جهتی «پشت» بازنمایی شده است.

همچنین واژه «وَراء» در مقابل ریشه قدم (فراهیدی، ۲۹۹/۸) با کاربردهای متعدد در آیات قرآن، گاه به مفهوم مکانی «پشت» دلالت دارد. این دلالت در «إِنَّ الَّذِینَ یُنَادُونَکَ مِنْ وَراءِ الْحُجُراتِ» (الحجرات، ۴) و در تعبیری کنایی به معنای بی‌توجهی کردن در «فَنَبَذُوهُ وَراءَ ظُهُورِهِم» (آل‌عمران، ۱۸۷) مشاهده می‌شود. همین واژه گاه برای بازنمایی مفهوم «آینده» به کار رفته است که برای نمونه می‌توان از عبارت «وَ مِنْ وَرائِهِمْ بَرْزَخٌ» (المؤمنون، ۱۰۰)، یاد کرد. همچنین این واژه در یک ترکیب استعاری در مقابل واژه عاجلة، و استعاره از روز قیامت به کار رفته است: «إِنَّ هؤُلاءِ یُحِبُّونَ الْعاجِلَةَ وَ یَذَرُونَ وَراءَهُمْ یَوْماً ثَقِیلاً» (القیامة، ۲۷). در این آیه رها کردن در پشت سر کنایه از بی‌توجهی، با مفهوم ندیدن و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

مشاهده‌ناپذیری قرین شده؛ گویی مردم چون روز قیامت را نمی‌بینند، به آن بی‌توجهی می‌کنند. بنابراین در واژه وراء نیز مشابه موارد نام‌برده، مفهوم «پشت» به صورتی استعاری برای «آینده» به کار رفته است.

جدول۱: نمونه‌هایی از ارتباط معانی مکانی و زمانی
واژگان تثبیت‌شده در عربی و کاربردهای قرآن

ریشه واژگانی	معنای مکانی		معنای زمانی	
قبل	یوسف، ۲۶	جلو	طه، ۱۳۰	گذشته
سبق	العنکبوت، ۴		طه، ۹۹	
قدم	هود، ۹۸		البقره، ۹۵	
بَیْنَ یَدَیْن	الاعراف، ۱۷		مجادله، ۱۲	
دبر	یوسف، ۲۷	پشت	یونس، ۳	آینده
عقب	البقره، ۱۴۳		الانعام، ۱۱	
أخر	آل‌عمران، ۱۵۳		هود، ۸	
خلف	الانفال، ۵۷		یونس، ۹۲	
وَراء	الحجرات، ۴		المؤمنون، ۱۰۰	

نکته قابل توجه در این واژگان، استفاده از واژگان مرتبط با مفهوم پشت برای نشان دادن مفهوم نسل، و استفاده از ریشه قدم (در معنای مکانی جلو) برای اشاره به نیاکان است. در مفهوم نسل از ریشه‌های مرتبط با «جهت مکانی پشت»، واژگان دابر، عَقِب، خَلف، و وراء در عبارات «فَقُطِعَ دابِرُ الْقَوْمِ الَّذِینَ ظَلَمُوا» (الانعام، ۴۵)، «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ» (الزخرف، ۲۸)، «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْکِتاب» (الاعراف، ۱۶۹)، «وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ یَعْقُوبَ» (هود، ۷۱)؛ و از ریشه قدم، صفت أقدَم برای پدران در عبارت «أَنْتُمْ وَ آباؤُکُمُ الْأَقْدَمُون» (الشعراء، ۷۶) به چشم می‌آید. این درحالی است که در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

زبان فارسی، واژه «پشت» معمولاً به صورت استعاری با مفهوم نیاکان به کار می‌رود. اصطلاح رایج «هفت پشت» نمونه‌ای از این کاربرد است.

مقایسه مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی قرآن با زبان‌های دیگر، مشابهت درک مفهوم زمان با استفاده از محور خطی (مکانی) را نشان می‌دهد. شواهد واژگانی نام برده و نیز کاربردهای واژگان مکانی در مفهوم‌سازی زمان در قرآن، همگی دلالت بر نوعی مفهوم‌سازی از زمان دارد که گذشته با جهت جلو و آینده با جهت پشت بازنمایی شده است. نکته جالب توجه این است در قرآن، نمونه‌ای که به طور قطع مفهوم سازی‌ای عکس این داشته باشد، یافت نشد.[۱]

۳-۳. تحلیل مفهوم‌سازی زمان در عربی قرآنی و مقایسه با زبان‌های دیگر

تفاوت میان مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان، در زبان‌های مختلف، به نگرش اهالی زبان به این مقوله مرتبط با مقوله مکان بازمی‌گردد. این مفهوم‌سازی، در یونان باستان بر اساس حرکت مداری (دستلان و همکاران، ۳۸، به نقل از Turetzky, 32-35)، در زبان

---

۱. شایان ذکر است هر یک از واژگان نام برده گاه غیر از استعاره در مفاهیم زمانی، مفاهیم استعاری دیگری دارد. برای نمونه واژهٔ «وراء» در عبارت «وَ اللَّهُ مِنْ وَرائِهِمْ مُحِيطٌ» (البروج، ۲۰)، به دلیل ویژگی جهت پشت، بدون اشاره به زمان، بر نادیده بودن دلالت دارد. واژهٔ «إدبار» به معنای «پشت کردن» از ریشهٔ دبر نیز، در عبارت «وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِدْبارَ النُّجُومِ» (طور، ۴۹)، به شکلی استعاری به مفهوم ناپدید شدن به کار رفته است. در برخی نمونه‌ها در نگاه اول به نظر می‌رسد گذشتهٔ زمانی، در جهت پشت بازنمایی شده است (قائمی و ذوالفقاری، ۱۳۴-۱۳۵). نمونه‌هایی از کاربرد واژه‌های «عَقِب» به معنای پاشنه به عنوان عضوی پسینی از بدن انسان، در قرآن محل بحث است: «لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلى عَقِبَيْهِ» (البقره، ۱۴۳)؛ «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنْ تُطيعُوا الَّذينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خاسِرينَ» (آل‌عمران، ۱۴۹)؛ بازگشت بر دو پاشنه یا پاشنه‌ها، نشانگر چرخشی کامل است و تصویری از بازگشت از جهت مطلوب را ارائه می‌دهد. با دقت در این آیات، استعارهٔ دیگری غیر از استعارهٔ زمان- مکان مشاهده می شود؛ که بیان سعادت معنوی انسان با استفاده از استعارهٔ حرکت در مسیر (در قرآن با عبارات صراط مستقیم، سبیل الله، اتّباع و ...) است. در این استعاره، در مسیر خداوند آنچه در پشت سر قرار دارد، گمراهی و آنچه پیش روست هدایت است. نمونهٔ دیگر، کاربرد «خلف»، برای کسانی است که در مسیر حرکت رو به جلو در سعادت، هنوز نرسیده‌اند: «وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلاَّ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل‌عمران، ۱۷۰)؛ که در آن نیز به وضوح بر جنبهٔ حرکت رو به جلو در مسیر رشد تأکید شده است. اگرچه گاهی این حرکت رو به رشد منطبق بر گذر زمان، و پشت کردن به رشد منطبق بر بازگشت به جاهلیت شده است، اصل بر استعاره زمان- مکان نیست و این نمونه منافاتی با مفهوم‌سازی زمان در عربی، با بازنمایی گذشته در جلو و آینده در پشت ندارد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

آیمارا بر اساس عنصر شهودیت (Nunez & Sweetser, 402)، و در زبان انگلیسی (و نیز فارسی) بر اساس برجستگی مفهوم حرکت (Lakoff & Johnson, 42)، صورت گرفته و نتایج متفاوتی در پی داشته است.

شواهدی از چگونگی بهره‌گیری از استعاره‌های مکانی برای بازنمود زمان در قرآن، و نیز واژگان عربی دالّ بر زمان و مکان با ریشه مشترک، فرضیه‌ای را تقویت می‌کند که در زبان عربی قرآنی، مشابه زبان آیمارا و بر خلاف زبان‌های فارسی و انگلیسی، تصویر شدن گذشته در جهت جلو و آینده در جهت پشت، بر مبنای «شهودیت» صورت گرفته است: گذشته مانند چیزی در برابر دید ما و در میدان آگاهی ماست، حال آنکه آینده در پشت ما قرار دارد و هنوز بر ما آشکار نشده است. در حالی که مفهوم‌سازی زمان در زبان‌های فارسی و انگلیسی، با تکیه بر عنصر «حرکت مستقیم»، به گونه‌ای صورت می‌گیرد که بر اساس «حرکت طبیعی روبه جلو» انسان، گذشته با پشت و آینده با جلو؛ و بر اساس «حرکت زمان به سوی مشاهده گر» به شکلی برعکس بازنمایی می‌شود.[۱]

اما در زبان عربی پس از قرآن و به ویژه زمان معاصر، مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان، مشابه عربی قرآنی نیست.[۲] این امر در تحلیل‌های مفسران و لغت‌شناسان از وام‌گیری واژگان حوزه مکان در زمان تأثیرگذار بوده است. برای نمونه، در *لسان العرب* در مورد واژه «وراء» چنین آمده است: «اگرچه ثعلب این واژه را به معنای پشت دانسته، اما گاهی

---

۱. در قرآن نیز گاهی نگرشی استعاری به رویدادها، مشابه گونه‌ای از مفهوم سازی زمان بر اساس مکان در زبان های فارسی و انگلیسی، یک رویداد را موجودی در حرکت به سوی تجربه گر تصویر می کند: «ثُمَّ جاءَهُمْ ما كانُوا يُوعَدُونَ» (الشعراء، ۲۰۶)؛ که البته نتیجهٔ مفهومی آن، با تمرکز زبان عربی قرآنی بر «شهودیت» در استعارهٔ مکان–زمان، همخوانی دارد. برای نمونه در عبارت‌های «وَ هُوَ الَّذی يُرْسِلُ الرِّياحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَیْ رَحْمَتِه» (الاعراف، ۵۷) و «إِنْ هُوَ إِلاَّ نَذيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَیْ عَذابٍ شَديدٍ» (سبأ، ۴۶)، رویدادهای باران (رحمت) و جهنم (عذاب)، در حرکت به سوی مشاهده‌گر، نشانه‌هایی (باد/ پیامبر) دارند که جلوتر از آن‌ها (بَيْنَ يَدَیْ)، خبر (بشارت/ هشدار) از رسیدنشان می‌دهد. در این موارد جایگزینی عبارت «بین یدین» با «قبل» (که در مواردی غیر از این استعاره نیز رایج است) تعارضی با مفهوم کلی عبارت‌ها ایجاد نمی‌کند.

۲. پژوهش‌های انجام شده در زبان‌های عربی مراکشی و سعودی حجازی معاصر نشان می‌دهد که در این زبان‌ها آینده در جلو و گذشته در پشت تصویر می‌شود (de la Fuente, p. 1683; Almirabi, p. 844).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

هم به معنای جلو است؛ مثلاً من وراءه جهنم» (ابن منظور، ۱۹۳/۱). همچنین در شرح واژه «خلف» در عبارت «یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم»، از قول زجاج گفته شده: «خَلْفَهُمْ، ما قد وقع من أعمالهم؛ و ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ، من أمرِ القیامة و جمیع ما یکون» (همان، ۸۲/۹). نیز بر همین اساس عده‌ای واژه «وراء» را، که در حوزه مکان به معنای پشت و در حوزه زمان، بر آینده دلالت می‌کند، از اضداد دانسته‌اند (طیب‌حسینی، ۱۷۳)؛ چرا که بر پایه نگرش نام برده، قاعدتاً باید مفهوم «جلو» به معنای آینده باشد.

در موضوع تفاوت میان زبان قرآن و زبان عربی معاصر در نحوه مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان، به عنوان یک فرضیه، اثر اختلاط فرهنگ‌های مختلف و گرته‌برداری‌های زبانی در عربی مورد توجه است. این اختلاط فرهنگی ناشی از گسترش اسلام به سرزمین‌هایی با پیشینه زبانی و فرهنگی متفاوت، سبب شده استعاره‌های کنونی در عربی آمیزه‌ای از سنت‌های مختلف باشند. به ویژه این که آموزش زبان عربی و فرهنگ‌نویسی در این زبان، در بسیاری موارد از سوی فارس‌ها تدوین شده است. مشابهت زبان‌های فارسی و انگلیسی در این مفهوم‌سازی را نیز می‌توان اشتراک آن‌ها در زبان مادر هندواروپایی دانست؛ درحالی که زبان عربی، از خانواده زبان‌های سامی، با ریشه آفروآسیایی است.[۱]

٤. ارزیابی ترجمه‌های فارسی قرآن در استعارهٔ مفهومی زمان- مکان

واژگان حوزه مفهومی مکان در قرآن که مفهوم مکانی ندارند، در ترجمه‌های فارسی به انحای مختلفی منعکس شده‌اند. از آنجا که تنها مورد مشابه زبان عربی در مفهوم‌سازی مکان- زمان در فارسی، واژه‌های پیش (جلو) و پس (پشت) به معنای گذشته و آینده

---

۱. بازنمایی زمان گذشته در جلو و زمان آینده در جهت پشت، در واژگان سایر زبان‌های سامی نیز قابل مشاهده است. در عبری، واژهٔ *qedem* (קדם) با معنای مکانی «جلو» در معنای زمانی «گذشته» (Gesenius, p. 744)؛ و واژهٔ *acharīt* (אחרית) برگرفته از ریشهٔ *achar* (אחר) به معنای «پشت»، در بسیاری از متون عبری به معنای «آینده» یا «فرجام امور» آمده است (Brown, Driver & Briggs, p. 31). در زبان سریانی نیز با همین ساختار مفهومی، واژهٔ *qadmāyā* (ܩܕܡܝܐ)، از ریشهٔ *qadam* (ܩܕܡ) به معنای «جلو»، در معنای زمانی بر «گذشته» دلالت دارد و واژهٔ *baṯrāyā* (ܒܬܪܝܐ) از ریشهٔ *baṯar* (ܒܬܪ) به معنای «پشت»، در معنای آینده و «پس از آن» به‌کار می‌رود (Payne Smith, pp. 62, 493).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

است، پیشنهاد می‌شود در ترجمه واژگان مکانی عربی با مفهوم جلو در معنای قبل و با مفهوم پشت در معنای بعد، از این دو واژه به گونه‌ای استفاده شود که بتوان هر دو معنای مکانی و زمانی را به درستی منتقل کرد. در بخش حاضر تعدادی از این واژگان عربی در قرآن، در شش ترجمه برجسته شامل انصاریان، صفوی (بر اساس تفسیر المیزان)، رضایی، فولادوند، مشکینی و مکارم بررسی می‌شوند.

واژه قَبل به راحتی در ترجمه‌ها مطابق با ریشه این واژه به معنای جلو، با واژه «پیش» قابل برگردان است و مترجمان در موارد بسیاری برای ترجمه آن از همین واژه استفاده کرده‌اند. در ریشه «اخر» به دلیل رواج مفهوم زمانی این واژه در زبان فارسی برخلاف مفهوم مکانی (پشت)، ترجمه‌ها عموماً به مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان اشاره نکرده‌اند. برای نمونه واژه أخَّرنا در عبارت **وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ** (هود، ۸)، در همه ترجمه‌های نام برده، «تأخیر انداختیم» معنا شده است. واژه عاقبت از ریشه «عقب» نیز در زبان فارسی، با مفهوم زمانی شناخته می‌شود و از این رو بدون توجه به استعاره مکان– زمان برگردان شده است.

واژه وراء کاربردهای متعدد مکانی و استعاری دارد. در کاربردهای استعاری این واژه برخی صرفاً بازنمود زمان است و برخی دیگر تأکید بر معانی دیگری دارد. در ترجمه «وراء» در آیه **وَ امْرَأَتُهُ قائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْناها بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ يَعْقُوبَ** (**هود، ۷۱**)، انصاریان، رضایی، مکارم معنای زمانی «پس از» را ذکر کرده‌اند. فولادوند و صفوی با عبارت «از پی» و مشکینی با عبارت «پشت سر» به نظر می‌رسد «وراء» را بر اساس استعاره‌ای غیر زمانی و با تصور حرکت فرزندان به سمت دنیا ترجمه کرده‌اند. مشابه همین مفهوم را در آیه «**وَ إِنِّی خِفْتُ الْمَوالِیَ مِنْ وَرائِی وَ کانَتِ امْرَأَتِی عاقِراً فَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا**» (**مریم، ۵**) مشاهده می‌کنیم؛ که همه شش مترجم نامبرده، متفقاً «من ورائی» را «پس از خود» معنا کرده‌اند. در آیه «**مِنْ وَرائِهِ جَهَنَّمُ وَ یُسْقی مِنْ ماءٍ صَدیدٍ**» (**ابراهیم، ۱۶**)، انصاریان و فولادوند واژه «وراء» را بر اساس مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان در زبان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

فارسی (آینده جلوست)، «پیش رو» معنا کرده‌اند. صفوی با عبارت «از پی» و رضایی، مشکینی و مکارم، با عبارت «به دنبال»، با تصویر جهنم به عنوان موجودی پنهان که کافران را تعقیب می‌کند، این واژه را بر اساس مفهوم مکانی ترجمه کرده‌اند. اگرچه آیه «**وَ مِنْ وَرائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلى يَوْمِ يُبْعَثُونَ**» (**المؤمنون، ۱۰۰**) مشابه آیه پیشین است، مترجمان نام برده متفاوت عمل کرده‌اند. انصاریان، صفوی، فولادوند، مشکینی، با تکیه بر استعاره آینده جلوست، مفهوم این واژه را «پیش رو» (پیشاپیش یا فرارو)، و مکارم با توجه به معنای لغوی واژه و نیز پوشیده بودن برزخ، «پشت سر» ذکر کرده است. در آیه «**إِنَّ هؤُلاءِ يُحِبُّونَ الْعاجِلَةَ وَ يَذَرُونَ وَراءَهُمْ يَوْماً ثَقِيلاً**» (**الانسان، ۲۷**) نیز، انصاریان و صفوی، وراء را «پیش رو» و سایر مترجمان با تأکید بر غفلت و بی‌توجهی (با توجه به فعل یَذَرونَ)، پشت سر معنا کرده‌اند. همان گونه که در مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی، شهودیت نقش مهمی دارد، واژه وراء در سه آیه اخیر، علاوه بر مفهوم آینده، بر مفهوم نامحسوس بودن هم تأکید ویژه دارد. به نظر می‌رسد ترجمه واژه «وراء» به گونه‌ای که هم استعاره مفهومی متناسب با زبان فارسی رعایت شود و هم مانند متن اصلی پنهان بودن رخداد مورد توجه قرار گیرد، امکان‌پذیر نیست. به منظور برگردان تأکید این آیات که غفلت انسان از عذاب آینده است، می‌توان از عبارت «از پس» استفاده کرد که در زبان فارسی هم بر مفهوم پوشیدگی دلالت دارد و هم یادآور عبارت «پس از» با مفهوم آینده زمانی در فارسی (بر مبنای حرکت رخداد به سوی مشاهده‌گر) است.

در ترجمه عبارات «بین یدین» و «خلف» مترجمان متفاوت عمل کرده‌اند. در معنای عبارت «بین یدین» در عبارت پرتکرار «**مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْه**» (البقره، ۹۷) در وصف قرآن، در همه ترجمه‌های نام برده، «پیش از» یا «پیشین» ذکر شده است؛ که هر دو هم بر گذشته و هم بر جهت جلو دلالت دارد. عبارت «**ما بَيْنَ أَيْديهِمْ وَ ما خَلْفَهُم**» (البقره، ۲۵۵)، در برخی ترجمه‌ها تقریباً به روشی تحت‌اللفظی، «پیش رو و پشت سر آمده» برگردان شده است (فولادوند)، در توضیح بیشتر این عبارت، گاه بدون اشاره به زمان، بر آشکار و پنهان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

بودن تأکید شده (انصاریان و صفوی) و گاه بر اساس مفهوم‌سازی زمان در فارسی، به ترتیب به آینده و گذشته اشاره شده است (رضایی و مشکینی). برخی نیز در ترتیب بیان زمان، اول گذشته و سپس آینده را ذکر نموده‌اند (مکارم). از آنجا که در این عبارت قرآنی، بدون تصریح بر زمان، بر آگاهی خداوند به جهت جلو و پشت اشاره شده، می‌توان آن را مستقل از زمان و با تأکید بر امور محسوس و نامحسوس دانست (انصاریان) که در کلام برخی مفسران نیز به آن اشاره شده است (قاسمی، ۱۹۱/۲؛ ابن عاشور، ۲۴۸/۱۷). اما در صورتی که اصرار بر بیان مفهوم زمانی برای این عبارت باشد، هم بر اساس مفهوم‌سازی زمان در عربی قرآن و هم طبق روال طبیعی آگاهی بر گذشته پیش از آینده، این ترتیب پذیرفته است (مکارم). واژه «خلف» همچنین در آیه «**فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً**» (یونس، ۹۲) در ترجمه صفوی، رضایی و مشکینی «پس از تو»، فولادوند «از پی تو» و انصاریان و مکارم «آیندگان» ترجمه شده؛ که عبارت «پس از تو»، به دلیل انطباق بیشتر با مفهوم زمانی و مکانی این واژه در فارسی، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

«ما قد سَبَقَ» در مفهوم زمانی در عبارت «**أَنْباءِ ما قَدْ سَبَقَ**» (طه، ۹۹) در ترجمه‌های انصاریان و صفوی «گذشته»؛ فولادوند و مکارم «پیشین»؛ و رضایی و مشکینی «آنچه گذشته» معنا شده است. در ترجمه این عبارت، به منظور حفظ ساختار لفظی و نیز انتقال مفهوم، «آنچه پیش‌تر رخ داده» پیشنهاد می‌شود.

ریشه قدم در عبارت «**ما قَدَّمَتْ أَيْديهِم**» (البقره، ۹۵) در ترجمه‌های رضایی، صفوی، مشکینی و مکارم با عبارت «پیش فرستاده‌اند»، انصاریان «مرتکب شده‌اند» و فولادوند «از پیش کرده‌اند» برگردان شده است. به نظر می‌رسد با توجه به تأکید عبارت «قدّمت» بر مفهوم گذشته، و نه بر مفهوم آینده، بهترین ترجمه «از پیش کرده‌اند» است. شاهدی بر این مدعا عبارت «**ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ ما تَأَخَّرَ**» (فتح، ۲) است. غیر از رضایی که با عبارت «مقدّم شده» عملاً ترجمه فارسی نیاورده است، سایر مترجمان نام‌برده آن را به معنای «گذشته» دانسته‌اند؛ که برای انطباق با مفهوم‌سازی زمان در فارسی، «پیشین» پیشنهاد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

می‌شود. از این ریشه واژه اقدم در عبارت «آباؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ» (الشعراء، ۷۶) را، صفوی به «پیش‌ترین»، مشکینی به نیاکان، و سایر مترجمان «پیشین» ترجمه کرده‌اند. واژه قدیم در «ضَلالِکَ الْقَدِیم» (یوسف، ۹۵) نیز در ترجمه‌های انصاریان و رضایی و فولادوند «دیرین و دیرینه»، صفوی «گذشته»، مکارم «سابق» و مشکینی «قدیم» (بدون ترجمه) آمده است که برای تطبیق بیشتر با زبان مبدأ و مقصد و لحاظ استعاره مفهومی زمان- مکان پیشنهاد می‌شود در این مورد هم از واژه «پیشین» استفاده شود.

واژه دیگری در حوزه مفهومی مکان، که در قرآن تنها یک بار به کار رفته، «أمام» به معنای مقابل، در عبارت «بَلْ یُرِیدُ الْإِنْسانُ لِیَفْجُرَ أَمامَهُ» (القیامة، ۵) است. برگردان مترجمان از این عبارت قابل بررسی است:

بلکه انسان می‌خواهد [با دست و پا زدن در شک و تردید] فراروی را [از اعتقاد به قیامت که بازدارنده‌ای قوی است] باز کند [تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد!] (انصاریان).

بلکه او می‌خواهد آینده عمرش را به فسق و گناه بگذراند، این است که رستاخیز را دروغ می‌شمرد (صفوی).

بلکه انسان می‌خواهد که پیش رویش (در آینده) خلافکاری کند (رضایی).

ولی نه، انسان می‌خواهد که در پیشگاه او فسادکاری کند (فولادوند).

بلکه انسان می‌خواهد هر چه (در عمر) پیش رود گناه کند (مشکینی).

بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند (مکارم).

بر اساس نحوه مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان در قرآن یعنی گذشته در جلو و آینده در پشت، واژه أمام (روبه رو) به معنای آینده به کار نرفته است. بنابراین ترجمه‌های رضایی، مشکینی و مکارم که واژه أمام را به مفهوم زمانی آینده دانسته‌اند پذیرفته نیست. فولادوند، با توجه به آیه قبل که قدرت خداوند را در ساختن انگشتان دست یادآور می‌شود، ضمیر «ه» در أمامه را به خداوند ارجاع داده، أمام را به معنای پیشگاه (مقابل) در مفهومی غیر زمانی، و فعل یَفجُر را به معنای ثانوی گناه کردن (غیر از معنای اولیه گشودن)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

برگردانده است. اما انصاریان، أمام را به معنای «فرارو» و یفجر را بـه معنـای لغـوی «بـاز کردن» می‌داند و مفهومی استعاری به آیه نسبت می‌دهد؛ که با توجه به آیه بعد «يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيامَةِ» (القیامة، ۶)، که لحنی طعنه آمیز در پرسش از زمان قیامت دارد، به نظر تناسب بیشتری دارد.

ترجمه پیشنهادی برای آیه چنین است: «بلکـه انسـان مـی‌خواهـد آنچـه را در مقابـل (در اختیار) دارد، به راحتی بگشاید (و هر گونه خواست و بی هیچ حدود و ثغوری رفتار کند).»

شایان ذکر است مفهوم گشودن که معنای اولیه برای فعل يَفجُرُ است، در این آیـه بـه سـمت معنای فجور به معنای گناه متمایل شده است. در نظریه شـبکه‌هـای شـعاعی در معنـی‌شناسـی شناختی، در تغییر معنای یک واژه از یک معنا به معنای دیگر، بیان می‌شود که همواره مـی‌تـوان جملاتی در زبان پیدا کرد که هر دو معنا را در خود داشته باشد (Tyler & Evans, p.198).

به طور کلی ارزیابی عملکرد مترجمان در ترجمه استعاره مفهـومی مکـان- زمـان، اولاً آشکار می‌سازد که هیچ یک، شیوه یکسانی در مورد واژگان ذکرشده به کار نبرده‌اند. ثانیـاً عدم رعایت شیوه هماهنگ به نحوی است که عدم توجه ویژه بـه مفهـوم‌سـازی زمـان بـر اساس مکان در عربی قرآنی و تفاوت آن با عربی معاصر را نشان می‌دهد.

نتایج مقاله

۱. در مفهوم‌سازی زمان با استفاده از مفاهیم عینـی‌تـر همچـون مکـان، در زبـان‌هـای مختلف، شیوه‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. مفهوم‌سازی رایج زبان‌های فارسی و انگلیسی، گذشته را در جهت پشت و آینده را در جهت جلو تصویر می‌کند. هرچنـد در زبـان عربـی معاصر نیز شواهدی همسو با این الگو دیده می‌شود، دو دسته شاهد فرضیه عدم اصالت این نوع مفهوم‌سازی را در زبان عربی کهن تقویت می‌کند: نخست، وجود ریشه‌هـایی در زبـان عربی که واژگانی با معـانی تثبیـت‌شـده در هـر دو حـوزه زمـان و مکـان دارنـد؛ و دوم، کاربردهای قرآنیِ واژگان دارای دو معنای زمانی و مکانی که نشان می‌دهـد مفهـوم‌سـازی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

زمان بر پایه مکان، به گونه‌ای دیگر صورت گرفته، که «گذشته در پیشِ رو» و «آینـده در پشت» بازنمایی شده است. نمونه‌هایی از این دست را می‌توان در ریشه‌هـای قبـل، سـبق، قدم، دبر، عقب، أخر، خلف؛ و نیز عباراتی چون وراء و بین یدین مشاهده کرد.

۲. عامل تفاوت الگوی مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان در زبان عربی قرآن، نسبت به زبان‌های فارسی و انگلیسی، تفاوت در مبناسـت. در حـالی کـه در زبـان‌هـای فارسـی و انگلیسی، مبنای این مفهوم‌سازی، عنصر «حرکت رو به جلو» است، در عربی قرآنی توجـه به عنصر «شهودیت» بروز دارد؛ که مشابه چنین الگویی را می‌توان در زبان آیمارا مشـاهده کرد. به نظر می‌رسد همانندی مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی معاصر با زبان‌های فارسی و انگلیسی، حاصل اختلاط فرهنگی و گرته‌برداری‌های زبانی است.

۳. ارزیابی عملکرد شش مترجم برجسته قرآن (انصاریان، صفوی، رضـایی، فولادونـد، مکارم و مشکینی)، در موضوع ترجمه استعاره مفهومی مکان- زمان در واژگان نـام بـرده، نشان می‌دهد که اولاً هیچ یک در سراسر اثر خود از شیوه یکسانی پیروی نکرده‌اند و ثانیـاً توجه ویژه‌ای به تفاوت میان الگوی مفهوم‌سازی زمان بـر پایـه مکـان در عربـی قرآنـی و عربی معاصر ـ که با فارسی و انگلیسی همسوست ـ نداشته‌اند. به طـور ویـژه واژه تکامـد «أمام» در قرآن، در بسیاری ترجمه‌ها به معنای زمانیِ آینده برگردان شده است؛ در حـالی که نتایج این پژوهش، معنای مکانی «جهت جلو» را در بافت کاربردی نشان می‌دهد که بـه صورتی استعاری در مفهوم «در اختیار بودن» به کار رفته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم به ترجمه‌های حسین انصاریان، محمدعلی رضایی اصفهانی، محمدرضا صفوی، محمدمهدی فولادوند، علی مشکینی و ناصر مکارم شیرازی.

۲. ابن عاشور، محمدطاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۳۹۴ق.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.

۴. افراشی، آزیتا، *مبانی معناشناسی شناختی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵ش.

۵. دستلان، مرتضی؛ محمدابراهیمی، زینب؛ مهدی‌بیرقدار، راضیه؛ روشن، بلقیس، «زمان دستوری در زبان فارسی؛ نگاهی نو بر پایه یک الگوی شناختی آرمانی»، *تازه‌های علوم شناختی*، سال ۱۷، ش۱، صص ۳۵– ۴۵، ۱۳۹۴ش.

۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۱ق.

۷. طیب حسینی، سید محمود، *مفردات قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲ش.

۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*. ۹ جلدی. قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.

۹. قائمی، مرتضی؛ ذوالفقاری، اختر، «مطالعه مدل‌های شناختی زمان در متن قرآن براساس نظریه استعاره مفهومی»، *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ش۵۰، صص ۱۲۳–۱۴۴، ۱۳۹۸ش.

۱۰. قاسمی، جمال الدین، محاسن التأویل، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.

۱۱. گلفام، ارسلان؛ آقاگل‌زاده، فردوس؛ عاصی، مصطفی؛ یوسفی‌راد، فاطمه، «دو استعاره مفهومی متفاوت، مبنای دو معنای متضاد: مطالعه موردی واژه پیش»، *نامة فرهنگستان*، سال ۱۰ شماره ۴، ۱۳۸۷ش.

12. Ahmad, H. M. (2022). "The Translation of Orientational Metaphors in Qur'an: A Cognitive Base Study". *British Journal of Translation, Linguistics and Literature*, 2(3), 2-16.

13. Almirabi, M. M. (2021). "How Much of the FUTURE Is BEHIND in Arabic? A View on the Arabic Culture and Embodiment", *Journal of Language Teaching and Research*, 12(5), 844-852, DOI: http://dx.doi.org/10.17507/jltr.1205.25

14. Boroditsky, L. (2011). "How Language Shapes Thought". *Scientific American*, 304(2), 62–65.

15. Brown, F., Driver, S. R., Briggs, C. A. (1906). *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament.* Oxford: Clarendon Press.

16. de la Fuente. J., Santiago. J., Román. A., Dumitrache. C., Casasanto. D. (2014). "When you think about it, your past is in front of you: how culture shapes spatial conceptions of time", *Psychological Science*, 25(9): 1682-90. DOI: 10.1177/0956797614534695.

17. Gesenius, W. (1847). *Hebrew and Chaldee Lexicon to the Old Testament Scriptures.* London: Samuel Bagster.

18. Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by.* Chicago: University of Chicago Press.

19. Nunez, R. E., & Sweetser, E. (2006) "With the Future behind Them: Convergent Evidence from Aymara Language and Gesture in the Crosslinguistic Comparison of Spatial Construals of Time", *Cognitive Science,* 30: 401-450.

20. Payne Smith, Jessie. 1903. *A Compendious Syriac Dictionary.* Oxford: Clarendon Press.

21. Yu, N. (1998). *The Contemporary Theory of Metaphor: A Perspective from Chinese.* John Benjamins Publishing Company.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]